

# عبادت در اسلام



اگر معلمان بتوانند ذوق عبادت را در دل دانش‌آموزان ایجاد کنند کاری بزرگ انجام داده‌اند. بیان حکمتها و رموز و لطائف هر یک از عبادات وظیفه هر مربی و معلم دینی است. آنچه می‌خوانید برگرفته از یادداشت‌های جناب آقای قرائتی است. امید است نکات مذکور در این مقاله، از طریق معلمان عزیز به گوش جان میلیونها دانش‌آموزی که به برکت انقلاب اسلامی در اختیار ما هستند برسد که اگر چنین شود ما به نهایت آرزوی خود رسیده‌ایم. رشد معارف خواهد کوشید در آینده نظیر همین مقالات را در خصوص عبادات مختلف درج کند. «رشد معارف»

نیز می‌فرماید: فلیعبدوا ربَّ هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف<sup>۱</sup> (مردم عبادت کنند پروردگار این کعبه را که آنها را از گرسنگی سیر و از خوف در امان قرار داد).

۴- فطرت انسان: پرسش جزئی از وجود انسان است و شاید نتوانیم کسی را بیایم که چیزی را نپرستد. یکی سنگ و چوب را و یکی ماه و خورشید را و بسیاری هم پول و مقام و همسر و ماشین را.

انبیاء نیامده‌اند که روح پرستش را در انسان ایجاد کنند بلکه آمده‌اند تا این غریزه فطری را هدایت کنند. چنانکه حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۴۷ می‌فرماید: فبعث الله محمداً بالحق لیخرج عباده من عبادة الاوتان الی عبادة. (خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود تا بندگان را از بت پرستی آزاد و به خدا پرستی دعوت کند).

بیشتر آیات قرآن مردم را دعوت به توحید در عبادت می‌کند نه اصل عبادت، زیرا روح عبادت در انسان هست چنانکه میل به غذا در هر کودکی هست اما اگر راهنمایی نشود کودک خاک می‌خورد ولذت هم می‌برد. ماجرای حضرت موسی نمونه خوبی است

معلمش سودی ندارد.

ریشه‌های عبادت  
اموری که انسان را به عبادت و بندگی خدا وامی‌دارد بسیار است از جمله آنهاست:

۱- عظمت خدا: انسان وقتی خود را در برابر بزرگی و جلال خدا می‌بیند ناخودآگاه در برابر او خاضع و ذلیل می‌شود چنانکه انسان وقتی به دانشمندی بزرگوار برمی‌خورد خود را کوچک و ناچیز شمرده و او را تعظیم و تکریم می‌کند.

۲- احساس فقر و وابستگی: طبیعت انسان اقتضاء می‌کند که چون خود را در نهایت عجز و ناتوانی و فقر و وابستگی از طرفی خدا را در کمال قدرت و بی‌نیازی می‌بیند او را بندگی و عبادت کند. در حدیث می‌خوانیم که اگر فقر و مرض و مرگ نبود گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد.

۳- توجه به نعمتها: یادآوری نعمتها می‌تواند قویترین انگیزه عبادت در انسان باشد. در مناجاتهای امامان معصوم معمولاً ابتدا نعمتهای خدا به انسان را از قبل از تولد یک به یک به زبان آورده و بدین وسیله عشق و محبت خود را نسبت به خداوند شعله‌ور می‌کنند. قرآن

در کتاب مفردات می‌خوانیم که عبودیت به معنای اظهار ذلت و عبادت عالیترین نوع تذلل در برابر خداست. صحاح و قاموس عبادت را طاعت و بندگی معنی کرده‌اند ولی ابن اثیر در نهایه می‌گوید: عبد یعنی فقیر و عبادت بمعنای گدایی است. پس معنی جامع این کلمه همان خضوع و ذلت در برابر کسی و بندگی و طاعت او می‌باشد.

## اهمیت عبادت

در اهمیت عبادت همین بس که عالم تکوین و عالم تشریح هر دو برای عبادت است زیرا قرآن می‌فرماید: وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون<sup>۱</sup> هدف آفرینش هستی و مخلوقات آن عبادت خداست و هم چنین کارنامه تمام انبیاء دعوت مردم به عبادت خدا بوده است. (ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت)<sup>۲</sup> پس هدف از خلقت عالم و بعثت انبیاء، عبادت خدا بوده است.

ناگفته پیداست که عبادت خدا به سود او نیست بلکه به نفع ماست (ان الله غنی عنکم)<sup>۳</sup>: همانا خدا از عبادت شما بی‌نیاز است) چنانکه درس خواندن شاگرد به نفع خود اوست و برای

که وقتی پس از چهل روز دوری از مردم، از کوه طور بازگشت، مردم را دید که دوریک گوساله طلایی که به دست سامری ساخته شده بود جمع شده و آنرا پرستش می‌کنند.

#### نقش عبادت

عبادت یعنی رنگ خدایی به کارها دادن، مسیر و هدف را رضای خدا قرار دادن و ناگفته پیدا است که این راه الهی و نقش خدایی نقش مهمی در زندگی مادارد که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۱- عبادت، فانی را باقی می‌کند. انسان و تمام تلاشهای او نابود می‌شود اما آنچه را برای رضای خدا انجام داده است باقی می‌ماند زیرا ما عندکم یستقو ما عند الله باقی: آنچه نزد شماست پایان می‌پذیرد و آنچه نزد خداست پایدار است. و در جای دیگر می‌فرماید: کل شی هالک الا وجهه: هر چیزی نابود می‌شود مگر آنچه وجهه الهی داشته باشد.

۲- عبادت، مادی را معنوی می‌کند. اگر در خواب و خوراک خود قصد قربت کرده و آن دورا وسیله‌ای برای انجام اعمال قرار دهی، رشد کرده و معنوی می‌شوی.

گاه انسان مقدس‌ترین کارها را انجام میدهد اما هدفش دنیا است و گاه برعکس ناچیزترین اعمال را به جای می‌آورد در حالیکه قصدش خدا است. اولی خسران و زیان است و دومی نهایت استفاده و سود. در امور دنیایی هم ارزش به هدف است مثلاً جراح و قاتل هر دو شکم پاره می‌کنند اما اولی برای اصلاح و دومی برای افساد لذا به اولی پول میدهند و از دومی پول می‌گیرند.

به یک داستان توجه کنید: روزی در منزل مشغول مطالعه بودم، همسرم از آشپزخانه بیرون آمد و گفت: خوش به حال شما که این چنین از لابلای قرآن و حدیث، مطالبی استخراج کرده و در رادیو و تلویزیون برای میلیونها نفر بیان می‌کنید اما من در آشپزخانه عدس و سبزی

پاک کرده و غذایی تهیه می‌کنم و سپس ظرفشویی و کارهایی این چنین که تکراری است انجام میدهم و عمر خود را تلف می‌کنم. به او گفتم حساب خدا ربطی به عدس و سبزی یا قرآن و حدیث ندارد. نظر خدا به نیت و هدف است.

گاهی هدف از مطالعه قرآن رسیدن به دنیا است که خسارت است و زیان، و گاهی هدف از تهیه غذا و کار در خانه، خداست. زن با خود می‌گوید شوهر من مشغول کار فکری است من برای او غذا تهیه کرده و او را کمک می‌کنم تا به یک طلبه و مبلغ دین خدا خدمتی کرده باشم.

در این جا است که زن از طریق عدس پاک کردن و سبزی شستن به بهشت می‌رود و شوهرش که به دنبال دنیا است، از طریق قرآن و حدیث به جهنم می‌رود.

۳- عبادت، نقش سازندگی در فرد و جامعه دارد زیرا، عبادت خدا یعنی نادیده گرفتن هوسها، نژادها، لباس‌ها، زبان‌ها و اقلیم‌ها، عبادت خدا یعنی انس با بی‌نهایت و دل بستن به مرکز همه قدرتها، عبادت خدا یعنی تشکر از صاحب نعمتها، عبادت خدا یعنی رهایی از حکومت طاغوتها و قبول حاکمیت خدا

عبادت خدا یعنی راه مستقیم هدایت زیرا خدا در قرآن می‌فرماید: وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ: مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است.

به گفته قرآن عبادت بار نیست بلکه اهرم است: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: از صبر و نماز کمک جوئید.

اصولاً عبادت و بندگی خدا مصونیت از هر نوع بندگی است و بنده خدا نبودن یعنی رها شدن و صید هر صیاد گشتن، چنانکه کودکی که دستش را از دست پدر بیرون آورد طعمه هر هوسباز می‌شود.

اقبال درباره پرستش‌های نابجا می‌گوید:

آدم از بی‌بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی نذر قیاد و جسم کرد یعنی درخوی غلامی زسگان پست تر است من ندیدم که سگی نزد سگی سرخم کرد

چرا بندگی خدا را نکنیم که آفریدگار ماست (واعبدوا ربکم الذی خلقکم): عبادت کنید پروردگاری را که شما را آفرید. چرا بندگی خدا را نکنیم در حالیکه زندگی ما بسته به اوست (وهو یطعمم ولا یطعمم) او به انسان غذا می‌دهد در حالیکه خودش نیاز به غذا ندارد.

#### ابعاد عبادت

برخلاف تصور بعضی که عبادت را منحصر در نماز و روزه می‌دانند در فرهنگ اسلام عبادت معنایی فرا گیر دارد که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

۱- فکر کردن عبادت است

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لیست العبادة كثرة الصلوة و الصوم انما العبادة التفکر فی امر الله: عبادت، نماز و روزه بسیار نیست بلکه تفکر در کارها و نعمتهای خدا، عبادت است

روشن است که هر تفکری عبادت نیست بلکه چنانکه از این حدیث استفاده میشود تفکری که انسان را به خدا نزدیک کند عبادت است.

۲- کسب و کار عبادت است پیامبر (ص) می‌فرماید: العبادة سبعون جزءاً افضلها طلب الحلال: عبادت هفتاد شعبه دارد که بهترین آنها به دنبال روزی حلال رفتن است.

۳- تحصیل علم، عبادت است. پیامبر اکرم می‌فرماید: من خرج یطلب باباً من العلم لیرد به باطلاً الی الحق و ضالاً الی الهدی کان عمله کعبادة اربعین عاماً! کسیکه از منزلش برای تحصیل علم خارج شود تا با آن باطل را رد کرده و سبب هدایت و نجات گمراهان گردد

گویا چهل سال عبادت کرده است.

۴- انتظار حکومت عدل جهانی عبادت است. پیامبر بزرگ اسلام میفرماید: افضل العبادۃ انتظار الفرج<sup>۱۵</sup>: انتظار فرج و گشایش در امر اسلام که آینده‌ای روشن را در برابر انسان قرار داده و سبب آمادگی و زمینه‌سازی برای آن می‌گردد بالاترین عبادتهاست.

اینها نمونه‌هایی بود تا نشان داده شود که قصد قربت و نیت صحیح چون اکسیری است که هر فلز بی‌ارزشی را همچون طلا، ارزش دار می‌کند. لذا هر کاری با نیت قرب به خدا می‌تواند عبادت باشد چه به آن تصریح شده باشد و یا درجایی ذکر نشده باشد و باین دید، ابعاد عبادت قابل شماره و انحصار نیست. اگر در روایات آمده است که نگاه به والدین، عالم، قرآن و کعبه، رهبر عادل و یا برادر دینی عبادت است<sup>۱۶</sup> و یا سکوت و حسن اخلاق و واسطه خیر شدن و خدمت به مردم و امثال اینها عبادت است از باب نمونه است نه آنکه عبادت منحصر در اینها باشد.

چگونه عبادت کنیم؟

باید به سراغ قرآن و حدیث برویم زیرا آدرس خانه را باید صاحب خانه بدهد. راه و کیفیت عبادت را هم باید خود خدا معین کند. کتاب خدا و عترت او بهترین عبادت را عبادتی میداند که:

۱- آگاهانه باشد در حدیث آمده که: رکعتان من عالم خیر من سبعین رکعة من جاهل<sup>۱۷</sup>: دورکعت نماز عالم بهتر از هفتاد رکعت نماز جاهل است.

در حدیث دیگری آمده که: المتعبّد علی غیر فقه کحمار الطّاحونة<sup>۱۸</sup> عابدی که از روی فهم و درک عبادت نکند مانند الاغی است که حرکت می‌کند اما درجا می‌زند و رشدی نمی‌کند.

قرآن می‌فرماید: لا تقرّبوا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون<sup>۱۹</sup>: در حال مستی به سراغ نماز نروید تا بدانید که چه می‌گویید  
۲ عاشقانه باشد: بندگی و پرستش باید همراه با شور و نشاط و لذت باشد. در دعا می‌خوانیم: واجعل نشاطی فسی عبادتک<sup>۲۰</sup> خداوندا نشاط مرا در عبادت خودت قرار ده.

امام صادق علیه السلام میفرماید: لا تکرهوا الی انفسکم العبادۃ<sup>۲۱</sup>: عبادت خدا را بر خود تحمیل نکنید یعنی سعی کنید ابتدا در خود شوق به عبادت ایجاد کنید و سپس عبادت کنید

۳ خالصانه باشد. قرآن میفرماید: ولا یشرک بعبادة ربّه احداً<sup>۲۲</sup> در عبادت پروردگارت احدی را شریک نکن. امام رضا علیه السلام میفرماید: من شهّر نفسه بالعبادة فاتهموه علی دینه<sup>۲۳</sup>: هر کس که عبادت خویش را در جامعه مطرح می‌کند مراقب او بوده و نسبت به او بدبین باشید، او را صاف و صادق در مکتب تصور نکنید.

اساساً عبادت تا خالص نباشد پذیرفته نیست. قرآن میفرماید: (وأمروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین<sup>۲۴</sup>): هیچ دستور عبادی برای مردم نیامده جز آنکه امر به اخلاص در آن عبادت شده‌اند.

۴ خاشعانه باشد. علاوه بر آگاهی و خلوص، حالت عبادت هم باید مناسب مقام حضور در درگاه الهی باشد. لذا قرآن در وصف مومنین میفرماید: والذین هم فی صلوتهم خاشعون<sup>۲۵</sup>: آنان در نماز حال خشوعی دارند که تمام وجودشان را فرا گرفته است.

راه بدست آوردن این خشوع را حدیث بیان می‌فرماید که: اعبدا الله کأنک تراه<sup>۲۶</sup>: آن گونه خدا را عبادت کن که گویا او را می‌بینی. عظمت او را ببین تا ذلت خود را دریابی.

در حدیث دیگری سفارش شده است که در هر نماز فرض کنید این آخرین نماز است. اگر از عمر شما فقط به قدر یک نماز باقی باشد چگونه نماز می‌خوانید همیشه آن گونه نماز بخوانید. (فصلها لوقتها صلوة مودع)<sup>۲۷</sup>

۵- مخفیانه باشد. پیامبر اکرم فرمود: اعظم العبادۃ اجراً اخفاها<sup>۲۸</sup> پاداش آن عبادتی بیشتر است که مخفی‌تر باشد. معلوم است که این دستور در مواردی است که خود اسلام امر به عبادت علنی نکرده باشد نظیر نماز به جماعت در مسجد که از نماز فرادی در گوشه خانه افضل است.

۲۰ - اصول کافی ج ۲ ص ۸۳

۲۱ - کف / ۱۱۰

۲۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۵۲ و وسائل ج ۱ ص ۵۸

۲۳ - بینه / ۵

۲۴ - مومنون / ۳

۲۵ - مصباح الشریعة ص ۸

۲۶ - بحار ج ۸۴ ص ۲۳۳

۲۷ - بحار ج ۷۰ ص ۲۵۱

۱۰ - میزان الحکمه ج ۷ ص ۵۴۲

۱۱ - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱

۱۲ - محجة البیضاء ج ۱ ص ۱۹

۱۳ - نهج الفصاحه جمله ۴۰۹

۱۴ - سفینه البحار ماده نظر

۱۵ - نهج الفصاحه جمله ۴۶۲

۱۶ - سفینه البحار ماده عبد

۱۷ - سفینه البحار ماده عبد

۱۸ - نساء / ۴۳

۱۹ - دعای هفتم از دعای خمسة عشر

۱ - ذاریات / ۵۶

۲ - نحل / ۳۶

۳ - زمر / ۷

۴ - قریش / ۴

۵ - نحل / ۹۶

۶ - قصص / ۸۸

۷ - یعنی آدم گوهر انسانیت خود را نذر شاهانی

نظیر قباد (پدر انوشیروان) و جم (جمشید) کرد.

۸ - بقره / ۲۱

۹ - انعام / ۱۴



در دوره راهنمایی که تربیت معلم آن بر عهده وزارت آموزش و پرورش بوده است، قبل از پیروزی انقلاب رشته خاصی در مراکز تربیت معلم برای تأمین معلم دینی و عربی وجود نداشته است. دانشجویان در رشته علوم انسانی برای تدریس درسهای جغرافیا، تاریخ، ادبیات فارسی، آئین نگارش و دستور، عربی، تعلیمات اجتماعی و از جمله تعلیمات دینی آماده می شده اند. پیداست که چنان برنامه ای قادر به تأمین معلم مناسب برای درس دینی نبوده است. بگذریم از اینکه قبل از انقلاب برای انتخاب دانشجوی علوم انسانی در مراکز تربیت معلم گزینشی هم در کار نبوده و نوعاً تناسبی میان وضع داوطلبان تحصیل در این رشته با تدریس درس دینی وجود نداشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جذب و تربیت معلم دینی برای دوره راهنمایی، از نظر کمیت و کیفیت بکلی دگرگون شده است. ایجاد یک رشته خاص برای تربیت معلم دینی و عربی دوره راهنمایی و در کنار آن ایجاد رشته دیگری برای تربیت مربی پرورشی (که در هفته ۱۲ ساعت می توانند به تدریس دینی بپردازند) اقدام مثبت و مهمی بوده است دانشجویانی که در این دو رشته پذیرفته می شوند کسانی هستند که خود مؤمن و معتقد و عامل به احکام اسلامند. جمع فارغ التحصیلان رشته های دینی و عربی، و پرورشی در طول سالهای پس از

پیروزی انقلاب اسلامی ۷۳۰۰ نفر بوده است. در همین زمان تعداد دانش آموزان دوره راهنمایی حدود ۵۰٪ رشد داشته و از ۱۵۳۵۲۶۳ به ۲۲۹۹۵۱۰ نفر رسیده است. اگر هر معلم را برای ۱۸۰ دانش آموز کافی بدانیم از مقایسه این آمار معلوم می شود که تعداد ۷۶۴۲۴۷ دانش آموز به جمعیت دوره راهنمایی اضافه شده و این تعداد خود محتاج ۴۲۴۳ معلم جدید است که ظاهراً از رقم ۷۳۰۰ نفر معلوم می شود تعداد ۳۰۵۷ نفر معلم بیشتر تربیت شده است. لکن اگر نسیک بسنگرم خواهیم دید وقتی مجموع ساعات دینی و قرآن و عربی از سه ساعت به ۷ ساعت افزایش یافته تقریباً به ۷۰۰۰ نفر معلم دینی جدید محتاج بوده ایم و طبعاً ۴۲۴۳ نفر معلم اضافه تأمین کننده این رشد نمی باشد.<sup>۲</sup>

رو به مرفته باید گفت که ما در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به اهمیت تأمین معلم متخصص برای تدریس درس دینی توجه کافی نکرده ایم و مخصوصاً در دوره دبیرستان، که دوره اعتقاد اعتقادات جوانان است به عمق فاجعه ناشی از کمبود دبیر دینی پی نبرده ایم و اگر فرض کنیم که از همین امروز، دانشگاهها را برای تربیت دبیر دینی بسیج کنیم (که البته فقط می توانیم چنین چیزی را فرض کنیم) اولین محصول آن حداقل پس از چهار سال دیگر بدست خواهد آمد و ما در این مدت، یک نسل کامل از فارغ التحصیلان دوره راهنمایی را وارد دبیرستان کرده و به دیپلم رسانده ایم.<sup>۳</sup>

اگر بپذیریم که در همه درسها این معلم است که به درس روح و جهت می بخشد و نقش معلم در درس دینی از همه درسها حساستر و تعیین کننده تر است، در آنصورت با توجه به این آمار و ارقام که جملگی از فقر و ضعف ما در تربیت معلم دینی حکایت می کند، شاید دیگر ضرورتی نداشته باشد که برای تدریس دینی در

مدارس به دنبال مشکل دیگری بگردیم. همچنین وقتی به یاد می آوریم که جمهوری اسلامی، یک حکومت دینی است و غرض از انقلاب تبدیل جامعه ما به یک جامعه اسلامی نمونه بوده است، با مشاهده نیازی که به معلم درس دینی و عربی و قرآن در مدارس داریم جا دارد با حافظ همتاله و همزبان شویم و بگوئیم:

حافظ این حال عجب با که توان گفت که ما بلبلانیم که در موسم گل خاموشیم

(ادامه دارد)

۱ - البته تنوع و اختلاف در فهم و تفسیر معارف دینی و در روش تحقیق و اثبات و آموزش عقاید دینی تا اندازه ای طبیعی است و نباید معارف اسلامی را با درسهایی مانند ریاضی یا فیزیک، از این حیث مقایسه کرد اما اگر این تنوع به نحوی محدود و مهار نشود نمی توان در کشور برای آموزش درس دینی هدفی معین کرد و برنامه ای طرح نمود و کتابی فراهم آورد و دانش و بینش حساب شده ای را از نسلی که دوره آموزش عمومی یا دبیرستان را پشت سر می گذارد انتظار داشت.

۲ - به علت اینکه درس دینی و عربی با سایر دروس در مراکز تربیت معلم مخلوط بوده، محاسبه تعداد کسانی که قبل از انقلاب به تدریس دینی اشتغال داشته اند قدری پیچیده بوده که ما در اینجا ذکر نکرده ایم.

۳ - البته ما در این بررسی تعداد دانشجویان رشته های الهیات دانشگاه آزاد اسلامی و بعضی مراکز نظیر آن را به حساب نیاورده ایم و ارزیابی و عملکرد این گونه مؤسسات مستلزم تحقیق همه جانبه دیگری است و علاوه بر آن، اصولاً هنوز رابطه مشخصی میان دانشگاه آزاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش برقرار نشده و وزارت آموزش و پرورش منتظر تأیید رسمی اعتبار رشته های این دانشگاه از سوی مراجع ذی صلاح بوده است.